

انقلاب آتی ایران جنسیت‌نمیشناسد (نظری به نوشته رفیق آذرماجدی)

در نوشته ای از رفیق آذرماجدی به نام "آیا انقلاب آتی ایران، یک انقلاب زنانه است؟" که در آرشيو سایت آزادی بیان موجود می‌باشد، ایشان به بحث در مورد انقلاب آتی ایران پرداخته‌اند. در مطلب نوشته شده به اظهار نظرهای بسیار قابل توجه ای از رفیق آذرماجدی درمورد نظرات داده شده توسط او مرابه نوشتن این مطلب تشویق کرد. از طرف دیگر از نظر اصولی، پرنسپبی و نظری لازم دیدم که کمی بر روی بعضی از گفته های رفیق مکث کنم. آن نوشته در قالب مصاحبه با "برای دنیای بهتر" صورت گرفته و به شکل سنوال و جواب می‌باشد.

باتوجه به اینکه کمونیست‌ها برای تحقق یک جامعه سوسیالیستی (در نهایت کمونیستی) به رهبری حزب طبقه کارگر و با شرکت وسیع کارگران و زحمتکشان در مبارزه طبقاتی به فعالیت و مبارزه مشغول هستند و این اصل اساسی مانیفست حزب کمونیست راکه "تاریخ تمامی جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه طبقاتی است." را اساس کار و فعالیت خود قرار می‌دهند و آن را هرگز فراموش نمی‌کنند. اساساً "واصولاً" برخورد آنها به تحولات، اعتراضات، انقلابات و جنبشهایی که در درون جامعه و در اطراف آنها (چه در حیطه کشور ایران و چه در سطح جهانی) اتفاق می‌افتد را به شیوه و بادرکی علمی ارزیابی کرده و تحلیلی طبقاتی از تحولات ارائه می‌دهند.

از نظر فعالین جنبش کمونیستی و کارگری، چیزی به نام "جنبش ها" و "تحولات" به شکل غیر طبقاتی و "مردمی" بطور عام و به خودی خود وجود ندارند. هر جنبش و تحول و حرکتی در راستای منافع طبقاتی گروه ها و اقشار مختلف در جامعه می‌باشد و با توجه به اینکه در مصافهای اجتماعی-سیاسی که در طول تاریخ در حیطه مبارزه طبقاتی در جریان بوده است، طبقات و اقشار مختلف جامعه رودر روی هم قرار گرفته و قرار خواهند گرفت. طبیعی است که این امر خارج از اراده افراد و جریانات سیاسی و احزاب صورت می‌پذیرد و ما فقط می‌توانیم به عنوان فعالین جنبش کمونیستی، فعالیتها، تشکل و نیروی انقلابی خود را برای پیشبرد امر انقلاب به نفع طبقه استثمار شده، یعنی طبقه کارگر و متحدانش بکار ببندیم.

کمونیست‌ها، انقلابات، جنبش ها و تحولات سیاسی را به "زنانه"، "مردانه" و "رنگی" و "بیرنگ" تقسیم نمی‌کنند. "اینکه سنوال شده است که آیا "انقلاب آتی زنانه است؟" و تانیدی که از جانب رفیق آذرماجدی این دیدگاه گذاشته شده (من در اینجا برای جلوگیری از تکرار از آوردن گفته های ایشان خودداری می‌کنم) تعبیر و دیدگاهی غیر طبقاتی و بامارکسیسم انقلابی نزدیکی و قرابتی ندارد.

جامعه طبقاتی و مشخصاً "جامعه سرمایه داری اسلام زده ایران از طبقات متضاد تشکیل شده است. طبقاتی که منافع واحدی با هم ندارند و در کنار هم نمیتوانند قرار گیرند. برای ما کمونیست‌ها "مردم" به طور کلی و یا مقوله "انقلاب مردمی" انقلاب زنان" و "یا" انقلاب مردان" و غیره وجود ندارد. محور تحلیل کمونیست‌ها، مبارزه طبقاتی است و طبقات درگیر در مبارزه را مدنظر دارند. نه جنسیت و نه ادوملیت.

اساس فعالیت کمونیست‌ها بطور مشخص دفاع و فعالیت در جهت منافع طبقه کارگر می‌باشد، که طبیعتاً "اقتشاری از جامعه راکه از متحدان واقعی و راستین این طبقه هستند را نیز در بر میگیرد. صرف نظر از جنس و رنگ و نژاد و ملیت. با توجه به اینکه رفیق آذرماجدی از مارکسیسم طرفداری کرده (ماتریالیسم علمی و ماتریالیسم دیالکتیک) و اصل مسلم مبارزه طبقاتی و اینکه طبقات متخاصم جامعه در روی یکدیگر قرار گرفته اند را طبیعتاً "قبول دارند و به آن پایبند می‌باشند، طبیعی است که از او انتظار میرود که به انقلاب نیز از زاویه دیدگاه ه مارکسیستی برخورد کنند.

مادر جامعه زنان کارگر داریم که مثل مردان کارگر استثمار میشوند. خانواده های کارگری داریم که در بدترین شرایط فقر و بی امکاناتی به سر می‌برند. با توجه به اینکه در جامعه زنانی هستند که از طبقات دارا و قدرتمند و در رده بالای طبقاتی قرار دارند، اینان به هیچ وجه در موقعیت فقر و فرو دستی که زنان کارگر و همسران کارگران قرار دارند قرار نمی‌گیرند و در صف دیگری قرار خواهند گرفت.

بطورمثال وضعیت کارگران فصلی وکارگران روزمزد درادرنظر بگیریدکه هرروزبایدساعتهامنتظراین باشندکه آیاروزبعدکاری برای آنان پیداخواهدشدیا نه؟وهرشب بعدازساعتهاانتظاربرسرمدانهاپادبابت خالی به خانه برگردندوروزبعدروزازنو روزی ازنو.درهمان جامعه نیزثروتندان را داریم که مزدیکماه حقوق این کارگران فصلی وروزمزد فقط پول توجیبی فرزندانش دریکروزمیشودویاپول قطعه ای ازلباس وتفریحات زنان وخانواده های آنان.

مابه هیچ وجه نمیتوانیم این دو طبقه را کارگران وخانواده هایشان وسرمایه داران وخانواده هاوهمسران آنها را دریک ظرف قراردهیم وزنان رابه صرف اینکه درجامعه سرمایه داری-اسلامی باتوجه به قوانین شدیدضدن،ازکل مبارزه طبقاتی جداکرده وبرای آنان انقلابی جداگانه بسببایم.این دیدگاه ایده آلیستی ودرعمل غیرممکن میباشد.

میان این دو طبقه(کارگرو سرمایه دار)تفاوت های اساسی وبنیادی وآشتی ناپذیری وجودداردودرمبارزه طبقاتی هم،صف این دو طبقه وهمسران وخانواده هایشان ازیکدیگر جدا میشود.

این واقعیتی بسیار بدیعی وآشکار است که درجامعه ای مثل ایران باقوانین قرون وسطی اسلامی بر علیه زنان،محدودیت های بیشماری برای آنان وجودداردوزنان تحت فشارهای بسیار غیرانسانی،شاق وقرون وسطی هستند.دراین شکی نیست وبرهمگان روشن وآشکارمیشود.طبیعتاً"این ظلم وستم بابرقراری جامعه سوسیالیستی که درآن استثمارانسان ازانسان به پایان رسیده باشدنیزبطوراساسی وپایه ای ریشه کن خواهدشد.

آزادی واقعی زنان زمانی تحقق میپذیردکه بردگی کارمزدی وجودنداشته باشدو جامعه استثمارفرداز فرد جای خودرابه جامعه ای عاری ازاستثمار داده است.دیدگاهی به غیرازاین به توهمات بورژوایی دامن خواهدزدودرنهایت نه تنهابه نفع زنان نیست،بلکه دردرآمدت بر علیه منافع آنان میباشد.

بنفشه کمالی ۸.۹.۲۰۰۹

<http://shadochdt.wordpress.com>

banafshekamali@gmail.com